

رویکرد بشرگرایانه مبتنی بر حقوق بنیادین زندانیان

زهرا جمشیدی* | کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد

اسلامی، تهران، ایران

ایاسمن خواجه نوری | استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه

آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

مدیریت درست زندان و رعایت و تضمین حقوق انسانی از حق‌های بنیادین زندانیان است. بر همین اساس، سیاست‌گذاران از رهگذر شماری از اسناد بنیادین و فراگیر، از جمله سیاست‌های کلی قضائی مصوب ۱۳۸۱ و سیاست‌های کلی قضائی پنج‌ساله مصوب ۱۳۸۸ و سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه مصوب ۱۳۹۱ و سند تحول قضائی در گام دوم انقلاب مصوب ۱۳۹۹، خط مشی‌های اساسی برای قانون‌گذاری و مدیریت زندان و شناسایی و تضمین رویکردهای بشرگرایانه و همچنین چگونگی استفاده از این مجازات را تعیین و به تصویب رسانند.

در چارچوب این اسناد عموماً تدابیری مانند جرم‌زدایی از عنوان‌های مجرمانه، کاهش مجازات‌ها به‌ویژه مجازات حبس، استفاده شایسته از نهادهای شبه‌قضائی، اصلاح و مدیریت امور زندان و زندانیان اتخاذ شده است تا در پرتو به‌کارگیری آن‌ها از شمار کاهش جمعیت کیفری کاسته شود. بنابراین و برای به اجرا درآمدن این خط مشی‌ها و سیاست‌های فراگیر و با توجه به چالش‌های پیش روی زندان که در این تحقیق از رهگذر بازدید از زندان‌های اوین و زنان تهران و همچنین شرکت در جلسات برنامه‌ریزی سازمان زندان‌ها و نیز همکاری در طراحی بررسی وضعیت کنونی و مطلوب زندان مرکزی گیلان (لاکان) شناسایی شد، ضروری است که سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به تهیه و تدوین برنامه آموزشی برای مدیران و کارکنان زندان‌های کشور،

سرعت بخشیدن به برنامه اشتغال فراگیر، پایدار با دریافت دستمزد مناسب، طراحی و اجرای برنامه هوشمندسازی پایش سلامت زندانیان، امکان‌پذیر ساختن مطالعات جرم‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، آمار جنایی و بهره‌گیری از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد، نهادها و مجامع خیریه در راستای برنامه‌های اشتغال، سلامت و حمایت از خانواده زندانیان مبادرت ورزد. در این مقاله با رویکردی علمی و با بهره‌گیری از مطالعات نظری و مشاهدات عینی مشکلات موجود در نظام مدیریتی زندان‌ها شناسایی و هم‌زمان با توجه به اسناد بنیادین و فراگیر پیش‌گفته و استانداردهای بین‌المللی به چگونگی برون‌رفت از وضعیت موجود و چالش‌ها پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: حقوق بنیادین، مدیریت زندان، سلامت زندانیان، اشتغال زندانیان، حقوق بشر.

مقدمه

زندان‌ها در اغلب کشورها با کمبود منابع مالی، نبود مراقبت‌های بهداشتی و تغذیه نامناسب روبه‌رو هستند. همچنین زندان‌بانان دارای آموزش‌های لازم نیستند. از سویی نیز، اداره هر زندان نیازمند برنامه‌ریزی مناسب و نظام‌مند با امکانات زندان است. از این رو مشاهده می‌شود که زندان‌های کشورهای مختلف دنیا، تابع برنامه و نظام خاص خود هستند.

برای انجام وظایف با بیشترین کارایی و اثربخشی و در نتیجه تحقق اهداف و مأموریت‌ها علاوه بر رعایت استانداردها و قواعد سازمانی و قانونی، نیاز به مجموعه‌ای از رهنمودهای اخلاقی است که مدیریت‌ها را در این امر یاری کند. بنابراین مدیریت و اداره زندان‌ها باید در چارچوب اخلاقی انجام شود بدون یک بستر اخلاقی مستحکم در شرایطی که در آن گروهی از افراد، قدرت قابل ملاحظه‌ای بر دیگران دارند، این وضعیت می‌تواند به راحتی موجب سوءاستفاده از قدرت شود. البته بستر اخلاقی تنها به رفتار انفرادی کارکنان با زندانیان مربوط نمی‌شود، بلکه ضروری است درکی از شالوده اخلاق حبس بر روند مدیریتی، از بالا تا پایین، حاکم شود؛ تأکید مقامات زندان بر روند درست و همچنین طلب بهره‌وری اجرایی یا اصرار در نیل به اهداف مدیریتی است. بدون ملاحظه مقدمات، الزامات اخلاقی می‌تواند به بسیاری از رفتارهای غیرانسانی منجر شود (کویل آندره، ۱۳۸۳).

کرامت و ارزش والای انسان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارزش‌های حیات آدمی در همه ابعاد زندگی وی رسوخ کرده است. کرامت حقی بنیادی برای انسان‌ها از فشار و آزاد محسوب می‌شود، اما انسان در بند و زندانی نیز باید از حقوق اولیه و بنیادی برخوردار شود.

از دیگر حقوق بنیادی مهم افراد حق بر سلامت است. این امر بر چگونگی رفتار افراد و توانایی‌شان برای فعالیت به‌عنوان عضوی از جامعه تأثیرگذار است. این مسئله در اجتماع بسته زندان اهمیت بیشتری دارد. شرایط حبس بنابر ماهیت خود می‌تواند اثرات مخربی بر سلامتی جسمانی و روانی زندانیان داشته باشد. همچنین کسانی که زندانی هستند حق اساسی خود جهت بهره‌مندی از سلامتی مطلوب اعم از جسمانی یا روانی را از دست نمی‌دهند و همچنان سزاوار مراقبت‌های پزشکی حداقل و برابر با آنچه در جامعه عمومی ارائه می‌شود هستند. در کنار این حقوق اساسی مربوط به تمام انسان‌ها، زندانیان به‌سبب وضعیت خود از محافظت‌های افزون‌تری برخوردارند.

نظارت بر امور زندان‌ها و رعایت حقوق زندانیان، حفظ کرامت و حقوق شهروندی، اسلامی و انسانی آنان و کمک به بازپروری و بازگشت هرچه سریع‌تر این افراد به جامعه و در میان خانواده و همچنین ملاحظه جنبه‌های تنبیهی و تربیتی حکم حبس، از جمله اصولی اساسی در نحوه برخورد با زندانیان است. اگر این اصول رعایت شود و در تمامی شئون مواجهه با زندانیان مورد توجه قرار گیرد، عمده مخاطرات و آسیب‌هایی که از این ناحیه بر محکومان به حبس یا بر چهره دستگاه قضائی تحمیل می‌شود، برطرف خواهد شد و هر دو طرف ضمن وقوف بر وظایف و حقوق خود، می‌دانند که نباید تخطی از این اصول صورت پذیرد.

ساماندهی وضعیت زندان‌ها و ملاحظه حقوق زندانیان، مورد توجه اسناد بالادستی قوانین و مقررات و به‌ویژه آیین‌نامه مورد تصویب رئیس قوه قضائیه است. آمارهای سازمان زندان‌ها در سال ۱۴۰۰، وضعیت موجود زندان‌ها را بهتر نشان می‌دهد. براساس آمار منتشره به‌طور میانگین، سالانه نزدیک به ۵۰۰ هزار نفر به زندان‌ها وارد و خارج می‌شوند که عموم این افراد دارای خانواده، فرزند و اقوام هستند؛ درواقع تعداد زیادی از افراد جامعه با معضل حبس مواجه هستند که آسیب‌های اجتماعی حادی را به همراه خواهد داشت.

روانشناسان زندان به زندانیان کمک می‌کنند تا با زندگی در زندان سازگار شوند. زندان تنها برای تنبیه مجرمان نیست. در بسیاری از موارد زندان به‌منزله توان‌بخشی به افراد نیز هست. بسیاری از افراد درون زندان به جامعه باز خواهند گشت. روان‌شناسان به زندانیان کمک می‌کنند تا خود را برای بازگشت به جامعه آماده کنند. حضور روان‌شناسان زندان، علاوه بر زندانیان، برای جامعه نیز مفید است. روان‌شناسان زندان با فراهم کردن خدمات سلامت روانی، می‌توانند به زندانیان به‌خصوص زنان زندانی که به‌علت تعداد اندکشان غالباً با تبعیض مواجه می‌شوند کمک کنند تا با

موضوعاتی مانند مدیریت خشم، اعتیاد یا سایر مواردی که به فعالیت مجرمانه آن‌ها منجر شده است، کنار آیند.

بنابراین در این مقاله به اثر بنیادی مدیریت و اداره زندان در اصلاح و بازپروری زندانیان اعم از زن و مرد و تأکید بر استفاده از رویکردهای ارفاقی و تنبیهی بشرگرایانه در جهت اصلاح و درمان این قشر پرتعداد و عظیم از جامعه و لزوم برنامه‌ریزی جامع برای بازگرداندن صحیح آنان به اجتماع برای تجربه زندگی بدون مخاطره و محرومیت، نمایانگر اهمیت این موضوع با توجه به وسعت تعداد زندانیان جامعه است.

۱. رویکردهای بنیادی

حقوق بنیادی زندانیان یکی از مقوله‌هایی است که نظام‌های حقوق داخلی را به تبعیت از خود وادار ساخته است. شناسایی حقوق مذکور و اعمال شیوه‌های پیش‌بینی شده برای ارتقای آن، موضوعی است که در سال‌های اخیر مورد توجه نهادهای بین‌المللی حقوق بشر قرار گرفته است. این موازین و استانداردهای بین‌المللی حقوق بشری برای همه زندانیان بدون استثنا وجود دارد و از حداقل حقوق و حمایت‌های خاصی که حقوق بین‌الملل تبیین کرده است برخوردار می‌شوند. در ادامه به مهم‌ترین رویکردهای بنیادی که مورد توجه حقوق داخلی و اسناد فراملی است توجه شده است.

۱-۱. حق بر تکریم

کارکنان زندان در احترام به کرامت زندانیان، به‌رغم جرمی که ممکن است مرتکب شده باشند، نقش مهمی را از طرف سایر افراد جامعه بر عهده دارند. این اصل احترام به تمامی انسان‌ها، قطع نظر از هر اشتباهی که ممکن است مرتکب شده باشند، توسط یک زندانی سابق مشهور و رئیس جمهور سابق آفریقای جنوبی، نلسون ماندلا، به‌روشنی بیان شده است. گفته می‌شود که «هیچ کس یک کشور را به‌درستی نمی‌شناسد مگر در دوران زندان به سر برده باشد» (سم ووتر، ۱۴۰۰). هر کشور بر مبنای چگونگی رفتار خود نه با عالی‌ترین شهروندان، بلکه با پایین‌ترین آن‌ها باید مورد قضاوت قرار گیرد.

رئیس بازداشتگاه باید به محض ورود متهمان، آنان را از ضوابط و مقررات مرکز و حقوق خویش مطلع و با بازدید روزانه بر اجرای مقررات نظارت کند. در واقع اولین حق متهم این است که از حقوق خودش آگاه شود و کسی هم که موظف است این حقوق را به او گوشزد کند، شخص

رئیس بازداشتگاه است. «مسئله این است که زندان در مدت زمانی کوتاه، به شکل اصلی مجازات بدل شد. در قانون کیفری سال ۱۸۱۰، شکل‌های گوناگون زندان تقریباً تمامی عرصهٔ تنبیه‌های ممکن از کیفر مرگ تا جریمه را اشغال کرد» (فوکو، ۱۳۷۸: ۱۴۵). پس افرادی که بازداشت یا زندانی می‌شوند بدون توجه به میزان وخامت جرمی که به سبب آن متهم یا محکوم شده‌اند مقام خود را به‌عنوان انسان از دست نمی‌دهند. دادگاه قانونی یا هر نهاد قضائی دیگری که مورد آن‌ها را بررسی کرده است، به لزوم محرومیت ایشان از آزادی حکم کرده است نه اینکه انسانیتشان فراموش شود. کارکنان زندان باید این حقیقت را در نظر داشته باشند که زندانی‌ها انسان هستند. هیچ کدام از کارکنان حق ندارند از طریق رفتار با زندانیان به‌عنوان انسان‌هایی پست‌تر که به سبب آنچه متهم یا محکوم به انجام آن هستند، حق احترام خود را از دست بدهند و همچنین تنبیه مضاعفی را بر آن‌ها تحمیل کنند. از لحاظ قانونی بدرفتاری با زندانیان همواره نادرست است، به علاوه چنین رفتاری، از انسانیت کارکنانی که به این شکل عمل می‌کنند می‌کاهد. اشخاصی که بازداشت یا زندانی می‌شوند به‌عنوان یک انسان تمامی حقوق خود را حفظ می‌کنند، مگر آنچه را که به‌عنوان تبعات خاص محرومیت از آزادی از دست می‌دهند. مقامات و کارکنان زندان باید درک شفافی از مفهوم ضمنی این اصل داشته باشند. برخی مقولات بسیار واضح هستند. طبق اصل ۳۸ قانون اساسی شکنجه و رفتار عامدانهٔ خشن، غیرانسانی یا تحقیرآمیز اکیداً ممنوع است. لازم است این درک وجود داشته باشد که چنین ممنوعیتی تنها ناظر بر خشونت جسمانی یا روانی نیست و بر تمام شرایط نگه‌داری زندانیان حاکم است.

سلب آزادی افراد، خواه به‌عنوان بازداشت موقت و خواه در پی حکم محکومیت، مستلزم رعایت حقوق محبوسان از جمله حق بر شکنجه نشدن و حفظ حق حیات آن‌هاست. اعمال هرگونه تبعیض در رعایت این حق‌ها از سوی مسئولان زندان بر پایهٔ نوع اتهام یا محکومیت زندانیان، در تعارض بنیادین با موازین حقوق بشر قرار دارد. به عبارت دیگر، انسانی کردن نحوهٔ برخورد با زندانیان در مورد همهٔ متهمان یا محکومان لازم‌الرعايه است (غلامپور و فرجیها، ۱۳۹۹: ۶۸۷-۷۱۴).

مردان، زنان و کودکانی که در زندان هستند همچنان انسان هستند. انسانیت آنان فراتر از حقیقت زندانی بودن آنان است. به همان ترتیب، کارکنان زندان نیز انسان هستند. گستره‌ای که در آن این دو گروه انسانیت مشترکشان را مورد شناسایی و توجه قرار می‌دهند، مهم‌ترین معیار برای یک زندان شایسته و انسانی است. هرگاه جای چنین شناختی خالی باشد، خطر تجاوز واقعی به حقوق بشر وجود دارد. آنچه در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، در مادهٔ ۱۰ اسناد بین‌المللی

مقرر می‌کند «با کلیه افراد محروم از آزادی باید با انسانیت و احترام به حیثیت ذاتی انسان رفتار کرد».

زندانیان از جمله گروه‌های در معرض خطر نقض حقوق بشری در سطح جامعه بین‌المللی هستند که به لحاظ شرایطی که در آن به سر می‌برند، امکان نادیده گرفتن آن‌ها و تعرض به حقوق و آزادی‌های اساسی‌شان بیش از دیگر گروه‌های انسانی بوده و غالباً شرایط منصفانه‌ای برای احقاق حقوق آن‌ها وجود ندارد و به طور خاص تحت انواع و اقسام رفتارهای غیرانسانی، تحقیرآمیز، ظالمانه و حتی گاهی شکنجه قرار می‌گیرند.

از این رو، ضرورت حمایت بیشتر و مؤثرتر از آن‌ها، تدوین و تصویب مقررات ویژه‌ای را ایجاد می‌کند. به همین جهت سازمان ملل متحد در ضمن تلاش‌های مداوم و طولانی برای انسانی کردن عدالت جزایی و حمایت از حقوق بشر، به طور خاص به مسئله زندانیان و شیوه‌های مختلف حمایتی از آنان جهت رعایت حقوق انسانی و تضمین آزادی‌های اساسی آن‌ها نیز در قالب تدوین اسناد و قطع‌نامه‌های متعددی همت گمارده است. از جمله این تلاش‌ها می‌توان به تصویب اعلامیه «اصول اساسی رفتار با زندانیان» اشاره کرد که در چهاردهم دسامبر ۱۹۹۰ طی قطع‌نامه شماره ۴۵/۱۱۱ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده است. (Basic Principles for the Treatment of Prisoners Adopted 45/111 of 14 December 1990).

طبق اصل ۱ اصول پایه برای رفتار با زندانیان باید با تمام زندانیان با احترام به کرامت و ارزش ذاتی‌شان به عنوان انسان رفتار شود. همچنین با تمام افرادی که تحت هرگونه بازداشت یا حبس قرار دارند باید به شیوه‌ای انسانی و با احترام به کرامت ذاتی آن‌ها به عنوان افراد انسانی رفتار شود.

طبق ماده ۵ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها، «هرکس از حق احترام به کرامت ذاتی یک انسان برخوردار است و باید وضعیت قانونی وی به رسمیت شناخته شود».

طبق ماده ۵ (۲) کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، با تمام افراد محروم از آزادی باید با احترام به کرامت ذاتی انسان رفتار شود. رویه‌های عملی مناسب در سراسر دنیا متحول شده‌اند و نشانگر این هستند که چگونه کارکنان می‌توانند رویه‌های پذیرش را نه تنها به صورت قانونی، بلکه با حساسیت نسبت به آسایش و کرامت ذاتی شخص زندانی اجرا کنند. و رای این رویه‌های مناسب، ایجاد مجموعه‌ای از توصیه‌ها با قابلیت کاربرد جهانی و قابلیت انطباق با رسوم محلی، سنت‌های فرهنگی و سطح اجتماعی اقتصادی، امکان‌پذیر است.

به نظر می‌رسد باید برنامه‌ای فراگیر از مهارت‌های حرفه‌ای، آموزشی، فرهنگی و پرورش برای کارکنان و مدیران میانی در سازمان زندان‌ها به طور مستمر فراهم شود تا شیوه‌های مطلوب جایگزین مواردی شود که ممکن است از استانداردهای فراملی تبعیت نکنند.

۱-۲. حق بر سلامت

حق درمان از جمله حقوق اساسی هر زندانی است که در قوانین داخلی، بین‌المللی و اسناد حقوق بشری به صراحت به آن اشاره شده است. همچنین در سیره پیامبر و امامان از حسن برخورد آنان پس از اجرای مجازات حد روایت شده است.

سلامت عمومی بی‌گمان یکی از مصادیق منافع عمومی است که فقدانش لطمات سنگین و جبران‌ناپذیری را بر کیان حیات جمعی آدمیان وارد می‌کند. اهمیت این امر در وضعیت اضطراری بسیار جدی‌تر می‌شود (راسخ، ۱۴۰۰: ۵۷-۸۰). با توجه به اهمیت سلامت و قرار گرفتن آن به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین افراد، در اسناد بین‌المللی و در قوانین داخلی تأمین سلامت به‌عنوان یکی از وظایف دولت‌ها معرفی شده است. از سویی تأمین این حق، گستره زیادی از اقدامات قانون‌گذاری، اجرایی و قضائی را دربر می‌گیرد و از سوی دیگر هزینه‌های بسیار زیادی را برای دولت ایجاد می‌کند که انجام تمام این امور و تأمین هزینه‌های مربوط، به‌تنهایی از سوی دولت امکان‌پذیر نیست. استفاده از نیروی خودجوش، مستقل و داوطلب مردم در قالب سازمان‌های مردم‌نهاد، به دولت برای تأمین این حق بسیار کمک می‌کند (بیدار و قاسمی، ۱۳۹۹: ۷-۲۶). برای مثال برنامه‌هایی در راستای یک سیاست جنایی مشارکتی، از نهادها و انجمن‌های غیردولتی که ادغام‌پذیری زندانیان در جامعه را برای مرحله پس‌ازندان تسهیل می‌کند. افزون بر این، برنامه‌های طبیعت‌درمانی توانایی ایجاد تغییر در اتمسفر آسیب‌زای روانی، عاطفی، محیطی حاکم بر زندان‌ها را دارند؛ اتمسفری که حتی اثربخشی برنامه‌های اصلاحی درمانی موجود را نیز کم‌رنگ‌تر می‌کنند. توسل به این برنامه‌ها بستر مناسبی برای گام برداشتن به سوی «حبس انسان‌مدار» و تأمین استانداردها و حقوق بنیادین زندانیان همچون حق بر زندگی، حق بر امید، حق بر بهزیستی و سلامت (جسمی - روانی) و حق بر بازگشت دوباره به اجتماع است (کاظمی جویباری، ۱۴۰۰: ۲۲۳-۲۳۹).

در قوانین داخلی، مواد متعددی از آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها به بیماری زندانی و درمان او اشاره می‌کند. در این آیین‌نامه اشاره شده که بهداری زندان مکلف است دست‌کم ماهی یک بار نسبت به تست پزشکی تمام محکومان اقدام کند و محکوم به محض احساس کسالت جریان را به مسئول امور نگهداری زندان اطلاع دهد و با اخذ معرفی‌نامه به بهداری زندان اعزام و دارو و

دستورهای پزشکی لازم را دریافت کند. بنابراین پزشک زندان مکلف به رسیدگی و مراقبت از سلامت جسمی بیماران است و در صورت وجود هرگونه مشکلی برای سلامت زندانیان باید به آن رسیدگی کند. واحد بهداشت و درمان مؤسسه موظف است از زندانیان تازه‌وارد در بخش تشخیص، معاینه کامل به عمل آورد و در صورت نیاز نسبت به درمان و یا معرفی زندانی به مراکز درمانی دیگر اقدام کند. تمام اقدام‌های درمانی و پزشکی باید در پرونده درمانی و پزشکی زندانی درج شود (آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور ماده ۱۳۸، ۱۳۹ و ۱۴۰). نکته‌ای که لازم است در اینجا به آن اشاره شود این است که اسرار بیماران به هیچ‌عنوان نباید افشا شود، چون موجب نقض حریم خصوصی زندانی است و کرامت ذاتی آن‌ها را تحت شعاع قرار می‌دهد. از این رو، درخصوص بیماری که بیماری‌اش او را به بیان اسرار خصوصی‌اش به پزشک وادار می‌کند، حفظ چنین اسراری از جانب پزشک از بُعد اخلاقی حائز اهمیت است. در این زمینه قانون‌گذار طبق ماده ۶۴۸ تعزیرات و مجازات بازدارنده از طریق الزام پزشک به رعایت حریم خصوصی و تعیین کیفر برای نقض آن، رویکرد حمایتی را اتخاذ کرده است.

در اسناد حقوق بشری نیز افراد به صرف انسان بودن دارای حقوقی هستند، از جمله حق حیات، آزادی، بهداشت و درمان که این حقوق همگانی است و زندانی بودن تغییری در رعایت این حقوق ایجاد نمی‌کند (شمس، ۱۳۸۲: ۷۱). در ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که ایران نیز به آن پیوسته بیان شده است: با تمام افرادی که از حقوق خود محروم شده‌اند باید با انسانیت و احترام به حیثیت ذاتی شخص انسان رفتار کرد. در ماده ۹ مجموعه اصول اساسی مربوط به معالجه زندانیان اشاره شده است که زندانیان باید به خدمات بهداشتی موجود در داخل کشور دسترسی داشته باشند، بدون آنکه به دلیل وضعیت قضائی خود دچار تبعیض شوند.

بنابراین حق درمان از جمله حقوق اساسی افراد است که محکومیت، عقیده و وضعیت قضائی زندانی، تفاوتی در دسترسی برابر افراد به آن ایفا نمی‌کند، اما متأسفانه در مواردی مشاهده شده است که به نام مسائل امنیتی انتقال زندانیان با تأخیر مواجه شده و یا به کل با آن مخالفت شده است (Doctors working in prison: human rights and ethical dilemmas, 2004: 56).

یکی از نکات مهم در آیین‌نامه فوق‌الذکر مربوط به زندانیانی است که بیماری‌های خاص دارند که در این موارد رئیس زندان مکلف است پیشنهاد عفو او را به قاضی ناظر و یا کمیسیون عفو و بخشودگی تسلیم کند. همان‌طور که در آیین‌نامه ۱۴۰۰ سازمان زندان‌ها ذکر شده است زندانی مبتلا به بیماری‌های روانی، واگیردار و پرخطر باید با لحاظ نظر پزشک متخصص و سیاست‌های وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تا بهبود کامل و رفع حالت پرخطر به صورت جداگانه

نگهداری و معالجه شود (آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، ماده ۱۴۶). همانطور که از متن ماده پیداست، رئیس زندان به ارائه این پیشنهاد ملزم است و نه مختار و این الزامی قانونی، اخلاقی و انسانی است، زیرا نگهداری چنین زندانی در زندان مجازاتی بیش از آنچه بدان محکوم شده‌اند را بر آن‌ها بار می‌کند که همان شکنجه جسمی ناشی از بیماری است که ممکن است در مواردی به مرگ زندانی منجر شود.

در نتیجه همانطور که از قوانین داخلی و بین‌المللی برمی‌آید، یک زندانی به مانند دیگر افراد جامعه از حق درمان و رسیدگی پزشکی باید بهره‌مند شود و مسئولان زندان به رعایت این حق مکلف هستند (vide. Moller et al., 2007).

بهداشت در زندان مهم‌ترین اولویت است، چراکه حبس فی نفسه برای سلامتی جسمی و روانی زندانیان مضر است. همان‌گونه که اسناد بین‌المللی صراحت دارند کیفر تحمیلی بر مجرم باید تنها محرومیت از آزادی باشد، حبس نباید در بردارنده خطرات جسمی یا سوء استفاده روانی توسط کارکنان یا سایر زندانیان باشد. اهمال در شرایط اداره زندان و ارائه مراقبت‌های بهداشتی به زندانیان به معنای ایجاد مشکلات بهداشتی - اجتماعی در نتیجه تماس میان زندان و اجتماع گسترده‌تر از طریق کارکنان، ملاقات‌کنندگان و زندانیان آزاد شده است (Human Rights & Vulnerable Prisoners, 2003, No. 1). ماده ۹ مجموعه مقررات اصول پایه برای رفتار با زندانیان اظهار می‌دارد «زندان‌ها باید به خدمات بهداشتی موجود در مملکت بدون تبعیض به خاطر وضعیت حقوقی خود دسترسی داشته باشند».

ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حق تمام افراد در بهره‌مندی از حداکثر میزان تندرستی جسمانی و روانی قابل حصول را به رسمیت شناخته است. ارائه مراقبت‌های بهداشتی به زندانیان محبوس صرف نظر از حق انسانی آن‌ها، نیازی است که باید در جهت حفظ سلامت تمام زندانیان و به تبع تمام افراد جامعه مورد توجه قرار گیرد. این حق صرفاً حقی بشری نیست، بلکه رعایت حقوق بهداشتی و سلامت مطلوب بر چگونگی رفتار افراد و توانایی‌شان برای فعالیت به‌عنوان عضوی از جامعه اثر می‌گذارد (Paul Hunt, Commission on Human Rights, 2005/51, 11 February 2005).

کسانی که زندانی هستند حق اساسی خود جهت بهره‌مندی از سلامتی مطلوب اعم از جسمانی یا روانی را از دست نمی‌دهند و همچنان سزاوار مراقبت‌های پزشکی - حداقل برابر با آنچه در جامعه عمومی ارائه می‌شود - هستند. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ماده ۱۲) حق زیر را به رسمیت شناخته است (حق تمام افراد در بهره‌مندی از حداکثر میزان

تندرستی جسمانی و روانی قابل حصول) در کنار این حقوق اساسی مربوط به تمام انسان‌ها، زندانیان به سبب وضعیت خود از محافظت‌های افزون‌تری برخوردارند. هنگامی که یک دولت افراد را از آزادی‌شان محروم می‌کند مسئولیت مراقبت از سلامتی آنان را چه در خصوص شرایط نگهداری و چه درمان فردی آن‌ها که ممکن است در نتیجه شرایط نگهداری‌شان لازم باشد عهده‌دار می‌شود.

۲. رویکردهای بشرگرایانه

۲-۱. بشرگرایی قانون محور

آزادی مشروط نوعی آزادی است که در صورت وجود شرایط قانونی می‌توان آن را اعمال کرد. (vide. Duff & Garland, 1990). تخفیف‌هایی از این دست در قانون به صورت نظام نیمه‌آزادی و عفو قانونی پیش‌بینی شده است. البته آزادی مشروط و نیمه‌آزادی همانطور که از نام آن‌ها برمی‌آید درباره مجازات حبس هستند و درباره سایر مجازات‌ها نمی‌توان آن‌ها را اعمال کرد.

گاهی مجرم قبل از خاتمه دوران محکومیت، اصلاح می‌شود و دیگر به فکر ارتکاب جرم نمی‌افتد. در این حالت، دیگر نیازی نیست که بقیه مدت محکومیت خود را در زندان به سر ببرد، چراکه هدف از مجازات که همان اصلاح و بازسازی فرد محکوم است، فراهم شده و به طور منطقی، دلیلی بر ادامه حبس وجود ندارد. به همین دلیل، شایسته است زندانی به صورت مشروط آزاد شود و اگر در دوران آزادی، مرتکب جرم جدیدی نشود و به توصیه و دستورات دادگاه عمل کند، آزادی مشروط او قطعی شود (گرمارودی، ۱۳۸۶: ۴۶). در غیر این صورت، مجدداً روانه زندان می‌شود تا مابقی دوران محکومیت را تحمل کند. در واقع، آزادی مشروط مرحله جدیدی بین زندان و آزادی کامل و حداقل متضمن این مزایاست که محکومان به جرائم، ضمن اقامت کم‌و بیش طولانی در محیط زندان، به کمک برنامه‌های اصلاحی و تربیتی به تدریج آماده بازگشت به جامعه شوند و در نتیجه، از خطراتی که ورود بدون قید و شرط و ناگهانی یک زندانی به جامعه را به وجود می‌آورد، جلوگیری می‌کند (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۶۳).

کسانی که در حال گذراندن دوران محکومیت خود هستند براساس ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی می‌تواند با شرایطی از آزادی مشروط استفاده کند. در مورد محکومیت به حبس تعزیری، دادگاه صادرکننده حکم می‌تواند در مورد محکومان به حبس بیش از ده سال پس از تحمل نصف و در سایر موارد پس از تحمل یک سوم مدت مجازات به پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای احکام با رعایت شرایط ذکرشده در ماده، حکم به آزادی مشروط را صادر کند.

قانونگذار در ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی عنوان می‌کند مدت آزادی مشروط شامل بقیه مدت مجازات می‌شود.

دو نوع عفو عمومی و خاص وجود دارد. عفو عمومی به موجب قانون اعطا می‌شود و از موجبات لغو تعقیب است و عفو خصوصی که فقط ناظر به مجازات و از موجبات لغو آن است، در جمهوری اسلامی ایران با پیشنهاد رئیس قوه قضائیه و تأیید مقام رهبری صورت می‌گیرد که با توجه به ماده ۹۶ قانون مجازات اسلامی عفو محکومان پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه با مقام رهبری است. طبق ماده ۹۷ همین قانون عفو عمومی تعقیب و دادرسی را موقوف می‌کند، اجرای مجازات موقوف و آثار محکومیت نیز زائل می‌شود. با توجه به ماده ۹۸ ق.م.ا، عفو خصوصی همه آثار محکومیت را منتفی می‌کند؛ لیکن تأثیری در پرداخت دیه و جبران خسارت زیان دیده ندارد.

۲-۲. بشرگرایی در چارچوب مقررات فروتقنینی

در خصوص اعطای مرخصی ارفاقی به زندانیان گفتنی است اگر زندانی پس از تحمل حداقل ۲ ماه از محکومیت حبس، به تشخیص مسئول زندان مربوطه از شخصیت و اخلاق و رفتار مناسبی برخوردار باشد رئیس حوزه قضائی و یا قاضی ناظر زندان دادرسی نظامی می‌تواند هر ماه در قبال اخذ تأمین لازم حداکثر ۵ روز به طور پیوسته یا ناپیوسته به او مرخصی اعطا کند و در صورت احساس نیاز بیشتر، این مرخصی تا حداکثر ۵ روز دیگر در هر ماه قابل تمدید است. رئیس زندان یا قاضی زندان می‌توانند به زندانیان زندان‌های باز و مشغول به کار در زندان‌های بسته، نیمه‌باز و مجتمع‌های حرفه‌آموزی و کادر درمانی (اردوگاه) هر پانزده روز یک بار حداکثر ۴۸ ساعت مرخصی اعطا کند. قاضی ناظر زندان دادرسی نظامی نیز می‌تواند به مناسبت عید نوروز و اعیاد اقلیت‌های دینی رسمی کشور، به زندانیان محکوم حداکثر هفت روز مرخصی اعطا کند.

در اجرای ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری، محکوم در صورت رعایت ضوابط و مقررات مؤسسه کیفری، مشارکت در برنامه‌های اصلاحی و تربیتی و کسب حداقل یک صد نمره از درجه اعتباری لازم، مطابق دستورالعمل موضوع تبصره ۵ ماده ۸۰ این آیین‌نامه، پس از اعلام شورای طبقه‌بندی، ماهانه حداکثر سه روز از مرخصی برخوردار می‌شود؛ معیارهای درجه اعتباری در خصوص مرخصی در این آیین‌نامه ذکر شده است.

طبق قانون زندانی حق خواهد داشت که با پدر، مادر، همسر، برادر، خواهر و فرزندان خود ملاقات داشته باشد که این ملاقات می‌تواند به صورت هفتگی یا ماهانه صورت پذیرد. در این صورت نکته مهم این است که شخص زندانی از خود حسن رفتار و معاشرت نشان دهد و ثابت

کند که اصول اخلاقی را رعایت می‌کند و هرچند مرتکب جرم شده است یا در مظان ارتکاب جرم یعنی در مرحله تحقیقات مقدماتی است، اما این به منزله بی‌اخلاقی و بی‌موالاتی شخص زندانی نیست، بلکه ممکن است همین که شخص محکوم به حبس شود، همین حبس باعث تأدیب او شود و رفتار مجرمانه خود را تغییر دهد و رفتارهای ضد اجتماعی خود را کنار بگذارد. به‌عنوان نتیجه بایستی گفته شود که هرچند کسی که به حبس محکوم شده این حبس در غالب موارد به علت ارتکاب جرم است، اما از آنجایی که انسان‌ها موجودات اجتماعی و عاطفی هستند ضرورت دارد مراعات حال ایشان بشود و بستگان و خویشان آن‌ها بتوانند با شخص زندانی ملاقات داشته باشند. چنانچه زندانی حسن رفتار و کردار داشته باشد، می‌تواند با افراد مذکور به صورت حضوری ولی با حضور مأمور ملاقات داشته باشد.

دسته‌های گوناگون زندانیان باید در زندان‌های جدا یا بخش‌های جداگانه زندان با توجه به جنسیت، سن، نوع جرم و... نگهداری شوند؛ بنابراین مردان و زنان تا حد امکان باید در زندان‌های جداگانه نگهداری شوند (عبدی، ۱۳۷۷: ۷۹-۸۰).

۳. رویکردهای اصلاحی - درمانی

۳-۱. محورهای نظری اشتغال و مهارت‌آموزی

یافتن راهی برای تأمین معاش، مهم‌ترین بخش توانایی زندانی برای الحاق مجدد به اجتماع هنگام آزادی از زندان است. زندان ممکن است نخستین فرصت برای بسیاری از زندانیان جهت فراگیری مهارت‌های فنی و حرفه‌ای و انجام کار منظم باشد. نوع و کیفیت برنامه‌ها و فعالیت‌های زندانیان و سطح دسترسی آنان به این امکانات، موفقیت ورود مجدد این افراد را به اجتماع تقویت می‌کند. فعالیت‌هایی که برای زندانیان در نظر گرفته می‌شود بایستی آنان را قادر سازد که به زندگی خود پس از آزادی ادامه دهند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که استخدام بدون تأخیر پس از آزادی یکی از مهم‌ترین عوامل جلوگیری از بازگشت به ارتکاب جرم است که ثمره آن برقراری پیوندهای قوی با خانواده و حمایت خانوادگی است. هدف اصلی از الزام زندانیان به کار، آماده کردن آنان برای یک زندگی ساده کاری عادی هنگام آزادی از زندان است و هدف تحصیل منافع مادی سازمان زندان‌ها یا گرداندن چرخ‌های کارخانه‌های متعلق به دولت نیست. باید به خاطر داشت که اشتغال تنها یکی از عناصر توان‌بخشی اجتماعی است. پاسخ کامل مستلزم فرصت‌هایی جهت توسعه مهارت‌های لازم برای بازگشت به جامعه است. هر جامعه مهارت‌های مختلفی را اقتضا می‌کند.

در یک نگاه کلی می‌توان اهمیت اشتغال در زندان را این گونه ذکر کرد؛ پر کردن اوقات فراغت زندانیان، چراکه اوقات فراغت و بیکاری زیاد به‌طور قطع زمینه‌ساز و موجب بروز اختلال روانی و رفتاری می‌شود. همچنین اشتغال موجب صرف نیروی اضافی، تولید و درآمد می‌شود. در واقع آثار عمدی زیان‌بار بیکاری فقط جنبه اقتصادی ندارد، بلکه پای اختلاف‌های روانی روحی و انحرافات رفتاری بیشتر در میان است. هر جا صحبت از انحراف اجتماعی، اختلال روانی یا انحراف رفتاری در میان باشد، نداشتن شغل و بیکاری به‌عنوان یکی از شاخص‌های بسیار مهم مطرح می‌شود.

هدف دیگر کار القای اعتماد به نفس و مهارت انجام یک کار هدفمند به زندانیان است که در این صورت آن‌ها احساس می‌کنند به‌نحوی آموزش می‌بینند که پس از دوران محکومیتشان احتمال استخدامشان بیشتر خواهد بود. این بدان معناست که کار زندان باید در ارتباط با آموزش برخی مهارت‌های کاری به زندانیان باشد؛ مهارت‌هایی که آن‌ها را قادر به تحصیل صلاحیت‌های لازم جهت کار در مشاغل سنتی مثل بنایی، تعمیرات، تأسیسات، کارپردازی و مزرعه‌داری می‌سازد. این گونه آموزش‌های حرفه‌ای برای زندانیان جوان‌تر اهمیت خاصی دارد؛ در طراحی چنین برنامه‌هایی آگاهی از نوع فرصت‌های اشتغال موجود در جامعه محلی پس از آزادی زندانی اهمیت خاصی دارد.

در بسیاری از کشورها، سازمان‌های زندان‌ها به سختی قادر به تعیین کار کافی برای زندانیان هستند که شیوه‌های متنوعی برای مواجهه با این مشکل وجود دارد. در برخی نظام‌های قضائی، سایر وزارتخانه‌های دولتی به ارائه بعضی کارها به سازمان زندان‌ها ملزم هستند که ممکن است از طریق قراردادهای دولتی داخلی صورت گیرد، برای مثال در آفریقای جنوبی تمامی اسباب و اثاثیه لازم برای نهادهای متولی ارائه خدمات مدنی توسط زندانیان ساخته می‌شود.

در بسیاری موارد کارکنان زندان می‌توانند در یافتن کارهای هدفمند برای زندانیان خلاقیت خود را به‌کار گیرند؛ برای مثال، زندانیان منتخب می‌توانند از طریق کار با کارکنان مسئول نگهداری و تعمیر بناها و تأسیسات زندان مهارت‌های مفیدی را بیاموزند. چنانچه زندان دارای زمین باشد زندانیان می‌توانند تحت نظارت به کشت و زرع در آن پردازند و غذای خود و دیگران را فراهم کنند. زندانیان در برخی امور ضروری روزمره مثل امور آشپزخانه و نظافت نیز می‌توانند شرکت کنند. خوداشتغالی چه به‌صورت فردی و چه به‌صورت تعاونی‌های کوچک می‌تواند گزینه مناسبی برای برخی زندانیان در شرف آزادی باشد (ولیدی، ۱۳۷۶: ۱۵۰-۱۶۷).

زندان‌ها می‌توانند از مهارت‌های قبلی خود در زمینه ساخت وسایل قابل عرضه به بازار جهت فروش استفاده کنند و در عین حال بر این مهارت‌ها بیفزایند. چنین کاری پس از آزادی زندان نیز

می‌تواند ادامه یابد و زندانی سابق را در معرض تبعیض قرار نمی‌دهد. در سال‌های اخیر بخش خصوصی و مؤسسات صنعتی تمایل بسیاری به تأمین کار برای زندانیان داشته‌اند. در چنین صورتی، مقامات زندان باید مطمئن شوند که از زندانیان تنها به منظور منبعی جهت کار با دستمزد کم و یا به منظور کاهش دستمزد کارگران محلی بهره‌برداری نشود. در چنین مواردی پرداخت دستمزد کامل به زندانیان ضروری است. اگر بنا باشد که تجربه کار در زندان، زندانیان را برای زندگی پس از آزادی آماده کند و از سویی زندانیان تنها به عنوان کار اجباری نگریسته نشود، پرداخت نوعی دستمزد در برابر کار آن‌ها اهمیت دارد. پرداخت دستمزد می‌تواند شکل‌های گوناگونی داشته باشد؛ یکی از سازنده‌ترین شیوه‌های پرداخت دستمزد برابر با کارگر مشابه در بیرون از زندان به زندانی است. در این صورت از آن‌ها انتظار می‌رود بخشی از پول خود را صرف خانواده‌شان کنند. در برخی موارد بخشی از آن صرف ترمیم بزه ارتكابی‌شان خواهد شد و بخشی نیز برای زمان آزادی پس‌انداز خواهد شد.

تشابه شرایط کاری زندانیان از حیث بهداشت، ایمنی، آسیب‌ها و بیماری‌های کاری با محیط‌های کاری جامعه عمومی اهمیت دارد. این امر نشانگر آن است که مقامات زندان باید از قوانین ملی ناظر بر بهداشت و ایمنی کار آگاه باشند و رعایت آن‌ها در مجموعه زندان را تضمین کند. چنین تضمیناتی در خصوص حداکثر ساعات کار زندانیان نیز باید رعایت شود. ساعت کاری نباید بیش از حد باشد و زمان برای مشارکت زندانیان در سایر فعالیت‌ها نیز باید باقی بماند. همچنین به منظور حمایت از زندانیان پس از خروج از زندان به منظور کنترل احساسات و واکنش‌های منفی جامعه نسبت به این قبیل افراد، «مرکز مراقبت بعد از خروج سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور» در مرکز استان‌های کشور در سال ۱۳۷۸ با هدف جلوگیری از بازگشت مجدد زندانیان به زندان‌ها و حمایت مادی و معنوی زندانیان و خانواده‌های آن‌ها تأسیس شد. اصلاح بعد از خروج به دوره زمانی پس از حبس برمی‌گردد. هدف از ملاحظات پس از خروج به حداقل رساندن میزان ارتكاب مجدد جرم توسط زندانیان از طریق مدیریت خطر و ارتقای خدمات توان بخشی است.

براساس ماده یک آیین‌نامه مراکز مراقبت بعد از خروج، اصلاح و تربیت زندانیان با هدف پیشگیری از تکرار جرم از طریق حمایت مادی و معنوی و فراهم کردن زمینه مساعد جهت بازگشت آنان به یک زندگی سالم اجتماعی است. همچنین در ماده ۳ این آیین‌نامه اهم وظایف مراکز مراقبت بعد از خروج، کارآموزی، اشتغال، ازدواج، ادامه تحصیل، تأمین مسکن، اعطای تسهیلات بانکی و ارائه خدمات به مددجویان در امور آموزشی، بهداشت و درمان، اجتماعی، حقوقی و فرهنگی و مذهبی است. با ملاحظه در مفاد آیین‌نامه مراکز مراقبت بعد از خروج، می‌توان به این نتیجه رسید که مهم‌ترین هدفی که چنین مراکزی برای آن برپا شده است، اشتغال‌زایی برای زندانیان و خانواده‌هایشان

است. بحث اشتغال‌زایی برای مددجو از اهم وظایف مرکز مراقبت بعد از خروج است؛ یعنی ایجاد زمینه لازم جهت کارآموزی و فراهم آوردن شغل و پیشینه برای مددجو از طریق اعطای وام. نتایج تحقیقات حاکی از آن است که تسهیلات اعطایی به زندانیان از جرائم بعدی آنان تا حد زیادی جلوگیری می‌کند. مددجویانی که قبل از گرفتاری به شغل و پیشه خاص اشتغال داشته‌اند و در آن شغل صاحب تجربه کاری و حرفه‌ای هستند طبیعتاً بعد از آزادی و تأمین منابع مالی مورد نیاز برای آغاز مجدد اشتغال، گرایش بالایی به ایجاد شغل دارند که در آن از گذشته تجربه حرفه‌ای لازم را کسب کرده‌اند. بنابراین هدایت و حمایت مددجویان به شغل مورد علاقه‌شان در قالب اعطای تسهیلات کافی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در کارآیی وام اعطایی به آنان داشته باشد. پرداخت وام با نظارت مراکز مراقبت بعد از خروج به مددجویان، می‌تواند در کاهش تکرار جرم و موفقیت در ایجاد اشتغال سالم و در بهبود وضعیت مددجویان مؤثر باشد.

متأسفانه به علت شرایط اقتصادی کشور این مرکز توفیق آن‌چنانی در پرداخت وام به زندانیان آزادشده به دست نیاورده است. در خصوص اهمیت پرداخت به موقع وام و نظارت بر اشتغال زندانی آزادشده توسط مراکز مراقبت بعد از خروج باید به این نکته توجه کرد که با توجه به دیدگاه منفی مردم نسبت به زندانیان، معمولاً زندانی پس از بازگشت از زندان، به علت حس بدبینی موجود در جامعه به آسانی در میان گروه‌های اجتماعی و کاری پذیرفته نمی‌شود و صاحبان مشاغل حاضر به ارجاع کار به این افراد نیستند. این سوءپیشینه از موانع مهم عدم اشتغال مجدد زندانیان آزادشده و عامل سرخوردگی اجتماعی و نیز عامل تمایل مجدد آنان به ارتکاب جرم است. بنابراین مجرم پس از ترخیص از زندان نیاز به پشتیبانی و حمایت‌های سازمان‌یافته‌ای دارند تا مجدداً به سمت جرم کشیده نشوند. همچنین اعطای وام خوداشتغالی با هدایت و هماهنگی مراکز مراقبت بعد از خروج یکی از این راه‌هاست که می‌تواند نقش مؤثری در اصلاح و تربیت زندانی آزادشده و جلوگیری از تکرار جرم داشته باشد.

یکی دیگر از وظایف مراکز مراقبت بعد از خروج که قبلاً به آن اشاره شد رایزنی با ادارات و ارگان‌ها و نهادها از جمله کمیته امداد، جهاد کشاورزی، بهزیستی، اداره کار و رفاه اجتماعی، فرمانداری، استانداری، اداره تعاون، سازمان حمل و نقل پایانه‌ها و غیره و معرفی مددجویان واجد شرایط جهت اشتغال و اخذ تسهیلات ویژه است. با توجه به یافته‌ها، مراکز مراقبت پس از خروج از زندان بر شغل‌یابی زندانیان تأثیر معنی‌داری ندارد، لذا می‌توان نتیجه گرفت که از دید زندانیان مراکز مراقبت پس از خروج از زندان از مواردی است که در فرایند اشتغال آنان تأثیر مثبت دارد، اما معنی‌دار نیست.

در اسناد بین‌المللی نیز به بحث اشتغال اشاره شده است. طبق ماده ۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، شق الف بند ۳ را نمی‌توان به گونه‌ای تفسیر کرد که در کشورهایی که بعضی از جنایات قابل مجازات با انجام کار سخت است این ماده مانع اجرای حکم صادره از دادگاه صالحی شود که یک چنین مجازاتی را تجویز کرده است. در قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان یک سری نکات در خصوص کار در زندان قابل تأمل است (قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده ۷۱-۷۶). کار اجباری به طور کلی ممنوع است. با وجود این، اسناد بین‌المللی تصریح می‌کنند که کار انجام‌شده توسط زندانیان به خودی خود تحت این عنوان قرار نمی‌گیرند. زندانیان محکوم را می‌توان با در نظر گرفتن برخی تضمین‌ها به کار مجبور کرد. این تضمین‌ها عبارت‌اند از اینکه:

کار باید هدفمند باشد؛ کار باید به آن‌ها کمک کند تا مهارت‌هایی را فرا گیرند که پس از آزادی برایشان مفید باشد؛ به زندانیان باید در ازای کار دستمزد پرداخت شود؛ شرایط کار باید تا حد زیادی مشابه کار در بیرون از زندان باشد، به‌ویژه از لحاظ الزامات بهداشتی و ایمنی کار؛ ساعات کار نباید بیش از اندازه باشد و وقت برای سایر فعالیت‌ها نیز باقی بماند.

به نظر می‌رسد زندانیان نباید مجبور باشند روزهای خود را با بی‌هوودگی و یک‌نواختی سپری کنند. این هم برای سلامتی شخصی آن‌ها و هم برای اداره بی‌دردسر زندان اساسی است. احتمال افسردگی و اخلاص‌گری در مورد زندانیان فاقد مشغولیت، بیشتر است. اگرچه دلایل مثبت دیگری را نیز می‌توان جهت تدارک کارهای هدفمند برای زندانیان مطرح کرد. برخی افراد به دلیل نداشتن هیچ گونه درآمد مشروع و اغلب به سبب نیافتن کار به سمت فعالیت‌های مجرمانه کشیده می‌شوند. شاید به این دلیل باشد که آن‌ها هرگز یک کار ثابت را تجربه نکرده‌اند، پس هرگز انضباط لازم برای تبعیت از رویه منظم روزانه را فرا نگرفته‌اند. ممکن است به این سبب نیز باشد که آن‌ها مایل به کار کردن بوده‌اند، اما مهارت‌ها و آموزش‌های لازم برای استخدام دائمی را نداشته‌اند.

طبق اسناد حقوقی بین‌المللی آموزش نباید به عنوان یک گزینه تکمیلی در فهرست فعالیت‌های زندانیان در نظر گرفته شود. برعکس، آموزش در دل دیدگاه جامعه مربوط به استفاده از دوره زندان به عنوان فرصتی جهت کمک به زندانیان برای بازسازی مثبت زندگی‌شان جای می‌گیرد. آموزش پیش از هر چیز باید معطوف به نیازهای پایه باشد، به گونه‌ای که همه زندانیان با هر مدت محکومیت حبس بتوانند خواندن، نوشتن و انجام محاسبات ریاضی پایه را بیاموزد و این مهارت‌ها به آن‌ها برای بقا در جهان نوین کمک کند.

آموزش باید از یادگیری این مهارت‌های پایه فراتر رود. آموزش در کامل‌ترین مفهوم آن باید با در نظر گرفتن سوابق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زندانی در پی پیشرفت همه‌جانبه شخص باشد. بنابراین باید شامل دسترسی به کتاب، کلاس و فعالیت‌های فرهنگی مثل موسیقی، تئاتر و هنر باشد. این نوع فعالیت‌ها نباید صرفاً به‌عنوان فعالیت‌های تفریحی نگریسته شوند، بلکه باید معطوف به تشویق زندانی جهت پیشرفت او به‌عنوان یک فرد باشند.

در عین حال زندانیان باید بتوانند از وقایعی که در جامعه مدنی روی می‌دهد، خواه در جامعه محل زندگی‌شان و خواه در کل جهان، باخبر باشند؛ که به‌نظر می‌رسد راهی برای کاستن از شرایط نامتعارف تجربه زندان است. بنا به همه این دلایل زندانیان باید تا حد امکان به کتاب، روزنامه، نشریات، رادیو و تلویزیون دسترسی داشته باشند (قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده ۳۹).

آنچه ضروری است یک برنامه متعادل از فعالیت‌های کاری و فراگیری مهارت‌های حرفه‌ای، آموزشی، فرهنگی و پرورش جسمانی است. تمامی عناصر این برنامه باید در سطوح گوناگون در تمامی زندان‌ها فراهم شود، هرچند که توازن دقیقشان می‌تواند بنا بر سن، توانایی‌ها و نیازهای زندانیان متفاوت باشد. برخی زندانیان، به‌ویژه جوان‌ترها، ممکن است نیازمند آموزش در طول روز باشند، گویی که به مدرسه می‌روند، برای سایرین امکان این آموزش می‌تواند هنگام عصر و پس از یک روز کاری عادی فراهم شود. در سایر شرایط ممکن است زندانیان نیمی از روز را به کار بپردازند و نیمی دیگر را صرف فعالیت‌های آموزشی کنند. هنگامی که این کار کافی برای مشغولیت تمام‌وقت همه زندانیان وجود ندارد چنین چیزی نامتعارف نیست.

همواره یکی از مشکلات مهم و درگیر مراکز تأمینی - تربیتی که تا حد زیادی هزینه‌بر و اتلاف‌کننده سرمایه انسانی - اقتصادی است تحمیل هزینه بازگشت زندانیان آزادشده به جرم سابق یا جدید و اعاده آن‌ها به زندان‌هاست. به‌طوری که مطالعه آماری پیشینه کیفری زندانیان به‌راحتی نشان‌دهنده بالا بودن میزان بازگشت به جرم در زندان‌هاست. به‌علاوه از مسائل مهم برای زندانیان آزادشده، جدایی کوتاه‌مدت یا درازمدت قبلی آن‌ها از ساختارهای کلان جامعه بوده که با نوعی شکاف و جدایی اجتماعی و اقتصادی همراه است. این شکاف و فقر ارزشی و مالی را می‌توان بستری برای بازگشت به جرم در آن دانست؛ به عبارت دیگر یکی از دلایل روی آوردن زندانیان بعد از آزادی به جرم، نداشتن شغل و اعتبار اجتماعی است. به همین منظور آموزش مهارت‌های شغلی و اشتغال در داخل زندان و به‌دنبال آن اتخاذ تدابیر و برنامه‌های علمی درخصوص اشتغال زندانیان

آزادشده و توانمند کردن آنان در خوداشتغالی می‌تواند گامی مؤثر در عدم بازگشت مجدد آنان به زندان و نهایتاً کاهش جمعیت کیفری را دربرداشته باشد.

باید توجه داشت آموزش، اشتغال، استخدام، سیاست‌های پیشگیری از جرم از جمله تدابیر جامع و متناسبی است که دولت‌ها با شرایط و وضعیت قلمرو خود می‌توانند در کاهش جمعیت کیفری اتخاذ کنند. ایجاد همکاری و ارتباط میان نهادهای دولتی و سازمان‌های مدنی و اجتماعی غیردولتی و بخش خصوصی می‌تواند دولت‌ها را در تحقق این امر یاری رساند.

اهداف اشتغال به کار زندانی یکی از مسائل مهم برای حرفه‌آموزی و نفوذ در زندانی برای ابراز ندامت و پشیمانی از عمل گذشته خود و آماده کردن زندانیان برای بازگشت به آغوش اجتماع است. استقرار نظم در زندان و همچنین جنبه‌های اقتصادی کار زندانیان از دیگر اهداف این مسئله است.

لذا تمرکز بر طراحی مدل و فرایندی برای اشتغال‌زایی خانواده زندانیان بیکار، کم‌درآمد و محروم می‌تواند زمینه بسیار مناسبی برای تداوم معیشت خانواده زندانیان در نبود سرپرست خانوار و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی مبتلا به باشد. در این راستا گام‌های سازمان زندان‌ها و سایر ارگان‌های امور تربیتی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا کند.

اشتغال می‌تواند تأثیر ارزنده در مسیر اصلاح زندان‌ها داشته باشد از جمله:

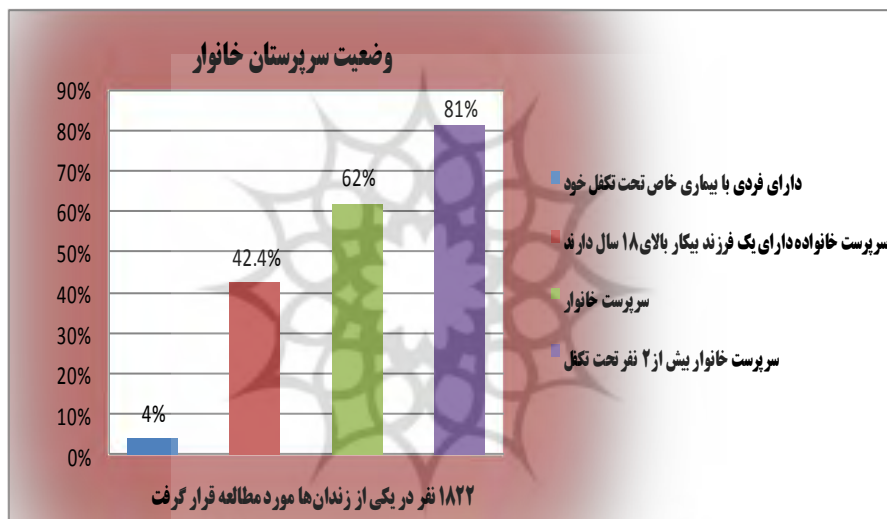
- توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی مددجویان و خانواده آنان از طریق اشتغال‌زایی؛
- رسیدگی به سلامت روان در جهت اصلاح و پیشگیری از تکرار جرم؛
- پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی خانواده مددجویان؛
- پوشش کامل متقاضیان و نیازمندان طرح‌های اشتغال‌زایی؛
- افزایش درآمد و تأمین معیشت مددجویان؛
- افزایش درآمد و تأمین معیشت خانواده مددجویان؛
- کاهش آسیب‌های اجتماعی مبتلا به مددجویان و خانواده ایشان؛
- کاهش نرخ بازگشت به زندان؛
- کاهش تعداد آمار مددجویان.

۲-۳. محورهای عملی اشتغال و مهارت‌آموزی

ایجاد اشتغال پایدار برای زندانیان و خانواده ایشان، در توفیق فعالیت‌های اصلاحی و تربیتی، اجتماع‌پذیری مددجویان و کاهش نرخ بازگشت آنان از یک طرف و تأمین معیشت فرد زندانی و

خانواده ایشان و کاهش آسیب‌های اجتماعی مبتلابه خانواده زندانی تأثیر بسیار چشم‌گیری دارد. با توجه به اطلاعاتی که از زندان مرکزی گیلان (لاکان) (برنامه اشتغال مددجویان، ۱۴۰۱: ۳۴) به دست آمد و در ذیل به اختصار بیان می‌شود، می‌توان وضعیت موجود را بهتر تبیین کرد.^۱

براساس نتایج به‌دست‌آمده از این زندان، افراد سرپرست خانواری که بیش از ۲ نفر تحت تکفل خود دارند نسبت به سایر افراد بیشتر نیازمند اشتغال هستند. زندان افزون بر محکوم، بر همسر، خانواده و نزدیکان او نیز تأثیرهای سوئی دارد و نه تنها آنان را از سرپرست خانواده و پشتیبانی مالی او محروم می‌کند، بلکه در بسیاری از موارد بار تحمل هزینه‌ها روانه می‌شود و این زن و فرزند محکوم‌اند که باید بدهی و هزینه‌های جنینی اقامت شوهر یا پدر خود در زندان را تحمل کنند.

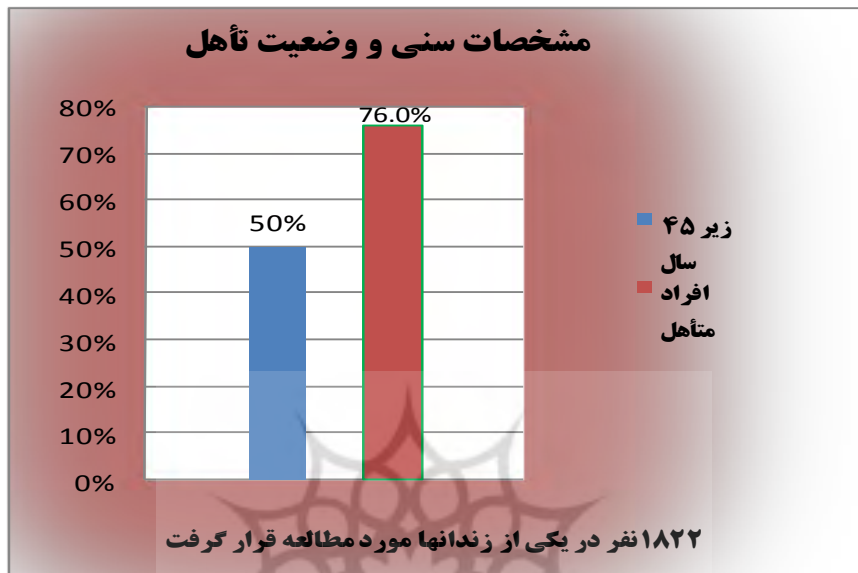


نمودار ۱. وضعیت سرپرست خانوار

به‌طور میانگین سالانه نزدیک به ۵۰۰ هزار نفر به زندان‌ها وارد و خارج می‌شوند عموم این افراد دارای خانواده، فرزند و اقوام هستند که در واقع تعداد زیادی از افراد جامعه با معضل حبس مواجه

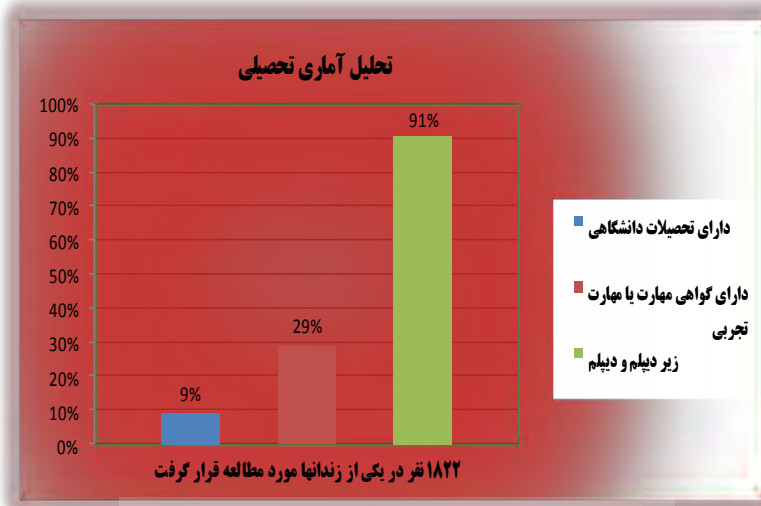
۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک. پژوهش انجام‌شده مشترک پژوهشکده نوآوری حقوقی و اداره کل آموزش و پژوهش سازمان زندان‌ها در سال ۱۴۰۱، موجود در کتابخانه پژوهشکده که نگارنده مسئول نیز به‌عنوان پژوهشگر نقش ایفا کرده است.

هستند و عدم تأمین معیشت آن‌ها، به خصوص برای افراد متأهل آسیب‌های اجتماعی حادی را به همراه خواهد داشت.



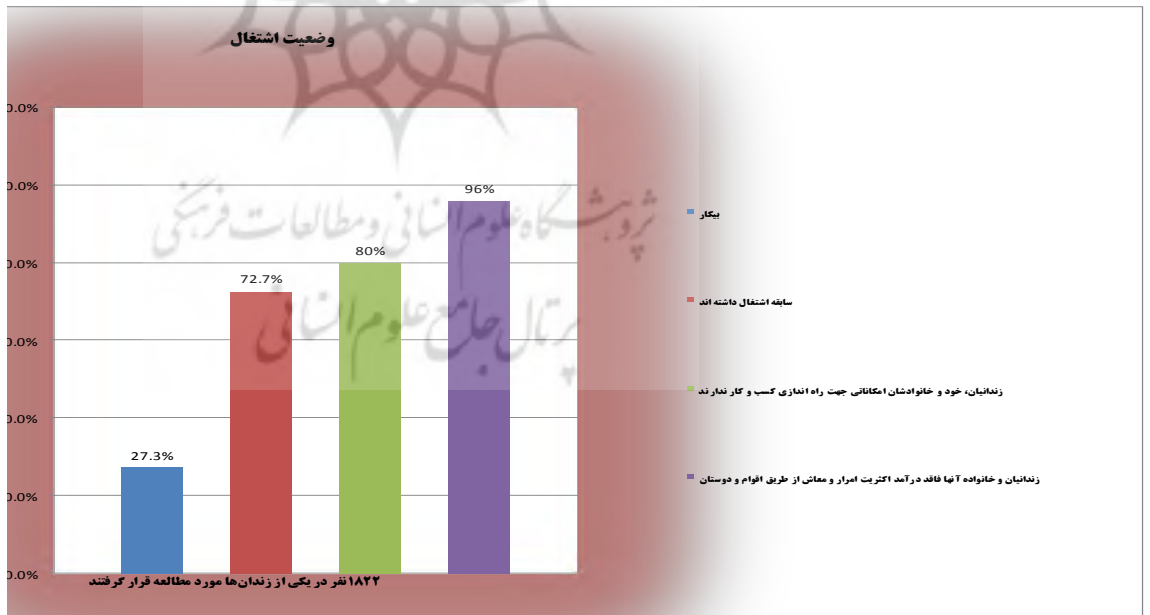
نمودار ۲. بررسی وضعیت سنی و تأهل

یکی از دلایل روی آوردن زندانیان بعد از آزادی به جرم، نداشتن شغل و اعتبار اجتماعی است. به همین منظور آموزش مهارت‌های شغلی و اشتغال در داخل زندان و به دنبال آن اتخاذ تدابیر و برنامه‌های علمی درخصوص اشتغال زندانیان آزادشده و توانمند کردن آنان در زندان می‌تواند گامی مؤثر در عدم بازگشت مجدد آنان به زندان و نهایتاً کاهش جمعیت کیفری را دربرداشته باشد. براساس اطلاعات به‌دست‌آمده از زندان مورد مطالعه، باید برای افرادی که دیپلم و یا زیر دیپلم هستند به‌طور جدی تدابیری اندیشیده شود و به آنان آموزش‌ها و مهارت‌های لازم در جهت اشتغال پایدار داده شود.



نمودار ۳. بررسی تحلیل آماری تحصیلی

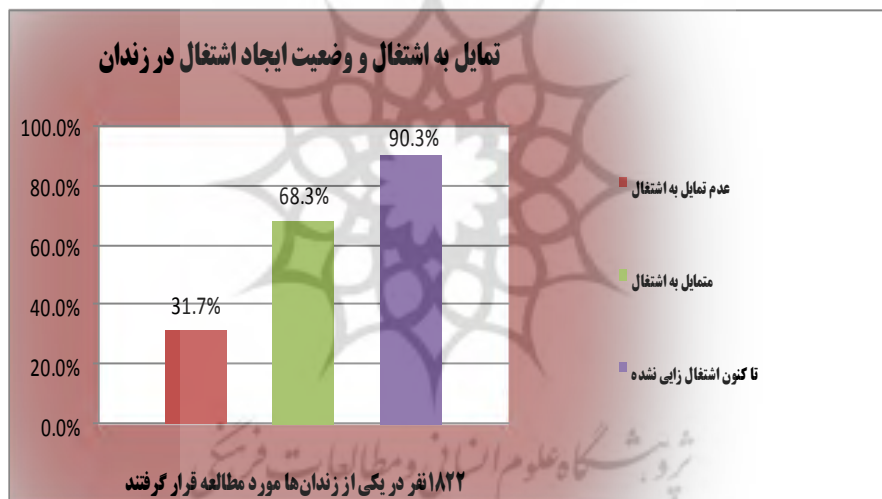
براساس اطلاعات به دست آمده نیاز است برای حداقل بیش از ۹۰ درصد زندانیان، اشتغال مولد و پایدار ایجاد کرد، زیرا عموم این افراد فاقد درآمد هستند و درآمد آنان از طریق خانواده، فرزند و اقوام است.



نمودار ۴. بررسی وضعیت اشتغال

براساس اطلاعات به دست آمده از زندان مورد مطالعه برای بیش از ۹۰ درصد از زندانیان اشتغال‌زایی نشده است. آموزش مهارت‌های شغلی و اشتغال در داخل زندان و به دنبال آن اتخاذ تدابیر و برنامه‌های علمی در خصوص اشتغال زندانیان آزاد شده و توانمند کردن آنان در خوداشتغالی می‌تواند گامی مؤثر در عدم بازگشت مجدد آنان به زندان باشد.

باید توجه داشت آموزش، اشتغال، استخدام، سیاست‌های پیشگیری از جرم از جمله تدابیر جامع و متناسبی است که دولت‌ها با شرایط و وضعیت قلمرو خود می‌توانند در کاهش جمعیت کیفری اتخاذ کنند. ایجاد همکاری و ارتباط میان نهادهای دولتی و سازمان‌های مدنی و اجتماعی غیردولتی و بخش خصوصی می‌تواند دولت‌ها را در تحقق این امر یاری رساند. همچنین انگیزه‌هایی برای ترغیب زندانیان به مشارکت فعال در اشتغال به وجود آوریم.



نمودار ۵. بررسی وضعیت تمایل به اشتغال در زندان

نتیجه

براساس اسناد فراملی از جمله منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، قواعد نلسون ماندلا برای رفتار با زندانیان، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، اعلامیه اصول اساسی رفتار با زندانیان، اسناد بین‌المللی حقوق بشر، و سایر معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی و نیز اسناد داخلی از جمله قانون اساسی، سند تحول قوه قضائیه،

آیین‌نامه سازمان زندان‌ها حقوق بنیادی زندانیان شامل کرامت‌مداری، سلامت (بهداشت و درمان)، آموزش‌های پایه‌محور، حق زندگی و برخورداری از احترام به حیثیت فردی، محفوظ ماندن از اعمال شکنجه و سوء رفتار، حق آزادی اندیشه، حق احترام به زندگی خانوادگی، حق تأمین نیازهای اولیه و برخورداری از خوراک، پوشاک و مسکن و اشتغال همچنین حق برخورداری از اجرای عادلانه قانون، حق برکنار بودن از هر نوع تبعیض با توجه به این واقعیت که زندان‌ها و رژیم‌های زندان بر اساس نیازهای اکثریت مردان زندانی پدید می‌آید، از جمله حقوق بشرگرایانه است که در صورت اجرای کامل و دقیق آن می‌تواند تضمین‌کننده حقوق بشرگرایانه برای زندانیان باشد. افزون بر این، زنان با توجه به تعداد اندکشان، غالباً در زندان‌هایی دور از محل سکونتشان حبس می‌شوند که این امر مانع از حفظ پیوند با فرزندان و بستگانشان است، به‌ویژه آنکه تأثیر زیان‌باری بر سلامت روانی و یکپارچگی مجدد اجتماعی آن‌ها دارد. به نظر می‌رسد اقدامات بشرگرایانه برای زنان بزه‌کار شامل اقدامات بهداشتی ویژه، برنامه مناسب برای مادران از جمله تغذیه مناسب مادران باردار و شیرده و مشاوره‌های روان‌شناسی و روان‌پزشکی در زندان‌ها به صورت مناسب اجرا و عمل نمی‌شود. اگر این اصول رعایت شود و در تمامی شئون مواجهه با زندانیان مورد توجه قرار گیرد، عمده مخاطرات و آسیب‌هایی که از این ناحیه بر محکومان به حبس یا بر چهره دستگاه قضائی تحمیل می‌شود، برطرف شده و هر دو طرف ضمن وقوف بر وظایف و حقوق خود، می‌دانند که نباید تخطی از این اصول صورت پذیرد. همچنین ایجاد اشتغال پایدار برای زندانیان و خانواده ایشان، در توفیق فعالیت‌های اصلاحی و تربیتی، اجتماع‌پذیری مددجویان و کاهش نرخ بازگشت آنان و تأمین معیشت فرد زندانی و خانواده ایشان و کاهش آسیب‌های اجتماعی مبتلابه خانواده زندانی تأثیر بسیار چشم‌گیری دارد. با توجه به طرح برنامه اشتغال مددجویان که اخیراً در حال اجراست و با توجه به آمارهایی که سازمان زندان‌ها در سال ۱۴۰۰ داده است؛ به‌طور میانگین سالانه نزدیک به ۵۰۰ هزار نفر به زندان‌ها وارد و خارج می‌شوند. عموم این افراد دارای خانواده، فرزند و اقوام هستند که در واقع تعداد زیادی از افراد جامعه با معضل حبس مواجه هستند و عدم تأمین معیشت آن‌ها، آسیب‌های اجتماعی حادی را به همراه خواهد داشت. اشتغال در هر وضعیتی (چه خارج از زندان، چه داخل زندان) چه در حالتی که فرد دارای سابقه کیفری باشد یا نباشد، آثار اصلاحی و تربیتی فراوانی را به همراه دارد و موجبات عزت نفس و تمرکز بر امور خود و خانواده و رشد و بالندگی آن‌ها خواهد بود و غالباً افرادی که دارای شغل هستند کم‌تر مرتکب بزه می‌شوند. لیکن بیکاری و نداشتن شغل نوعاً موجبات ارتکاب جرم را به همراه دارد و آثار نامطلوبی در فرد و خانواده وی را به همراه خواهد داشت. همچنین اوقات فراغت و بیکاری به‌طور قطع زمینه‌ساز و

موجب بروز اختلال روانی و رفتاری می‌شود. روان‌شناسان زندان به زندانیان کمک می‌کنند تا با زندگی در زندان سازگار شوند. زندان تنها برای تنبیه مجرمان نیست. در بسیاری از موارد زندان به منزله توان بخشی به افراد نیز هست. بسیاری از افراد درون زندان به جامعه باز خواهند گشت. روان‌شناسان به زندانیان کمک می‌کنند تا خود را برای بازگشت به جامعه آماده کنند. روان‌شناسان زندان با فراهم کردن خدمات سلامت روانی، می‌توانند به زندانیان به خصوص زنان زندانی که به علت تعداد اندکشان غالباً با تبعیض مواجه می‌شوند کمک کنند تا با موضوعاتی مانند مدیریت خشم، اعتیاد یا سایر مواردی که به فعالیت مجرمانه آن‌ها منجر شده است، کنار آیند. لذا در این مقاله به اثر بنیادی مدیریت و اداره زندان در اصلاح و بازپروری زندانیان اعم از زن و مرد و تأکید بر استفاده از رویکردهای ارفاقی و تنبیهی بشرگرایانه در جهت اصلاح و درمان این قشر پرتعداد و عظیم از جامعه و لزوم برنامه‌ریزی جامع برای بازگرداندن صحیح آنان به اجتماع برای تجربه زندگی بدون مخاطره و محرومیت، نمایانگر اهمیت این مقاله با توجه به وسعت تعداد زندانیان جامعه است که تضمین‌های لازم برای مدیران و کارکنان سازمان زندان‌ها می‌تواند شامل اقدامات تشویقی و ارتقایی اقدامات تنبیهی و انضباطی باشد.

با توجه به تحقیق به عمل آمده پیشنهاد می‌شود:

۱. ضروری است سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، برنامه آموزشی مدون و جامعی در خصوص اسناد فراملی و قوانین و مقررات داخلی کشور از جمله سند تحول قضائی، قوانین شکلی و ماهوی، آیین‌نامه سازمان زندان‌ها را که به حقوق بنیادین و ارفاقی زندانیان توجه شده است در برنامه‌های مدیران و کارکنان زندان‌های کشور قرار دهد؛
۲. سرعت بخشیدن به برنامه اشتغال فراگیر، پایدار با دریافت دستمزد مناسب؛
۳. طراحی و اجرای برنامه هوشمندسازی پایش سلامت زندانیان؛
۴. در راستای ارتقای علمی، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور امکان مطالعات جرم‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، آمار جنایی را برای مجامع دانشگاهی و پژوهشگران فراهم کند؛
۵. ضروری است سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور از ظرفیت سمن‌ها، نهادها و مجامع خیریه در راستای برنامه‌های اشتغال، سلامت و حمایت از خانواده زندانیان بهره گیرد.

منابع

الف) منابع فارسی

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۲)، حقوق جزای عمومی، ج ۲، تهران: میزان.
- الوائلی، احمد (۱۳۶۴)، احکام السجون، ترجمه محمدحسن بکایی، تحت عنوان: احکام زندان در اسلام، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، مواد ۲۴، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۶.
- باقرزاده، رضا، حسن آشکاران و حسین عباسیان (۱۳۹۲)، «خود زنی - آسیب‌شناسی زندان یا زندانی»، انجمن مددکاران اجتماعی، شماره ۱۳۶.
- باقری، لیلا و نرگس سرشار (۱۳۹۰)، «زنان زندانی و مشکلات بهداشتی آنان در زندان»، پنجمین همایش منطقه‌ای زن ایرانی و پژوهش، سبزوار، rciwr05_018
- بولک، برنار (۱۳۸۵)، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- بیدار، زهرا و غلامعلی قاسمی (۱۳۹۹)، «نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در توسعه حق بر سلامت»، فصل‌نامه حقوق پزشکی، شماره ۵۲.
- بیگی، جمال و مهرداد تیموری (۱۴۰۰ ج)، «نقد و بررسی لایحه حق تحصیل محکومان در پرتو اسناد بین‌المللی و مقررات داخلی»، مطالعات حقوق عمومی، شماره ۳.
- تیموری، مهرداد (۱۴۰۱)، سیاست جنایی ایران در قبال نقض حق بر سلامت زندانیان با تکیه بر اسناد بین‌المللی، رساله دکتری رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه.
- تیموری، مهرداد (۱۳۹۶)، حق آموزش زندانیان و چالش‌های فراروی آن در ایران با تکیه بر اسناد بین‌المللی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه.
- تیموری، مهرداد، جمال بیگی، و فاطمه احدی (۱۴۰۰ الف)، «چالش‌های فرآوری حق بر سلامت زندانیان در پاندمی کرونا و مکانیسم‌های مقابله با آن»، فصل‌نامه حقوق پزشکی، شماره ۵۶.
- تیموری، مهرداد، جمال بیگی، و فاطمه احدی (۱۴۰۰ ب)، «حس‌زدایی سلامت‌محور؛ برآیند سلامت و عدالت در رویکرد نظام حقوقی ایران و اسناد بین‌المللی حقوق بشر»، فصل‌نامه مطالعات بین‌المللی، شماره ۷۱.
- داودیان، احسان (۱۳۹۵)، حقوق زندانی در ایران و اسناد بین‌المللی، تهران: مجد.
- راسخ، محمد (۱۴۰۰)، «مبانی و نظام حقوق سلامت عمومی در وضعیت اضطراری»، فصل‌نامه تحقیقات حقوقی، شماره ۹۵.
- سم و نتر (۱۴۰۰)، نامه‌های زندان نلسون ماندلا، ترجمه اکرم ورشوچی فرد، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.
- شاملو، سعید (۱۳۸۵)، بهداشت روانی، تهران: انتشارات رشد.
- شمس، علی (۱۳۸۲)، حقوق زندانیان در مقررات داخلی و بین‌المللی، تهران: راه تربیت.
- شمس، علی (۱۳۸۲)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی زندان، تهران: راه تربیت.
- شمس، علی (۱۳۹۲)، آسیب‌شناسی زندان، تهران: جامعه‌شناسان.

- عبدی، عباس (۱۳۷۷)، تأثیر زندان بر زندانی (آسیب‌شناسی اجتماعی)، تهران: مؤسسه تحقیقاتی و انتشارات نور.
- غلامپور، مهدی و محمد فرجیها (۱۳۹۹ الف)، «تبیین نظری پدیده مرگ در زندان در بستر عدالت کیفری تطبیقی»، مطالعات حقوق تطبیقی، شماره ۲.
- فوکو، میشل (۱۳۷۸)، مراقبت و تنبیه: تولد زندان، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهاننده، تهران: نشر نی.
- قواعد حداقل استاندارد ملل متحد درباره رفتار با زندانیان، قواعد ۳۹، ۶۷، ۷۱-۷۶.
- کاظمی جویباری، مهدی (۱۴۰۰)، «طبیعت درمانی؛ رویکردی نوین در نظام اصلاحی زندان»، دیدگاه‌های حقوق قضائی، شماره ۹۵.
- گرمارودی، هما (۱۳۸۶)، «عوامل مؤثر بر کاهش جمعیت کیفری»، مجموعه مقالات همایش زندان‌زدایی دانشگاه شیراز، تهران: میزان.
- محمدی، محمدرضا (۱۳۹۰)، خشونت زندانیان، تهران: اداره حفاظت اطلاعات و بازرسی در زندان.
- مقدسی، محمدباقر و جواد یزدانی (۱۳۹۷)، «حمایت از بیماران در پرتو مبانی جرم‌انگاری»، حقوق پزشکی، شماره ۴۴.
- منتظری، آیت‌الله حسینعلی (۱۳۷۱)، مبانی فقهی حکومت اسلامی (دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیة) احکام و آداب اداره زندان‌ها و استخبارات، جلد چهارم، ترجمه و تقریر ابوالفضل شکوری، تهران: تفکر.
- نیازپور، امیرحسین (۱۳۹۹)، «اصول اجرای زندان پس از همه‌گیر شدن ویروس کووید ۱۹»، فصل‌نامه تحقیقاتی حقوقی، دوره ۲۳، ویژه‌نامه حقوق و کرونا.
- ولیدی، محمدصالح (۱۳۷۶)، «پیامدهای حرفه‌آموزی و اشتغال به کار زندانیان»، دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۸.
- برنامه اشتغال مددجویان (۱۴۰۰)، تهران: انتشارات پژوهشکده نوآوری حقوقی.

ب) منابع انگلیسی

- “A WHO Guide to the essentials in Prison health” (2007), WHO Europe, op.cit.
- Basic Principles for the Treatment of Prisoners Adopted and proclaimed by General Assembly resolution 45/111 of 14 December 1990.
- Duff, A., & D. Garland (1990), **A reader on punishment**, oxford press, Desember.
- health, P. H. (2005), Report of the Special Rapporteur on the right of everyone to the enjoyment of the highest attainable standard of physical and mental, Commission on Human Rights, Sixty-first Session, Economic, Social and Cultural Rights, UN Doc. E/CN.4/2005/51, 11 February.
- Moller, L., H. Stover, R. Jurgens, A. Gatherer, & H. Nikogosian (eds.) (2007), “Health in Prisons, A WHO guide to the essentials in prison health”, **The World Health Organization Europe**.
- **Report de commission canadienne sur la determination de la peine** (1987),
- Women in Prison: a Commentary on the Standard Minimum Rules for the Treatment of Prisoners, **op.cit**.